

درباره کوچه ساسان (آیت...بهجت ۳) که حاصل گسترش مشهد در ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی است

باغ سبزی که راه شد



رضا سلیمان ذوری ا روندگسترش مشهد در طول صد سال، همواره صعودی بوده است و این گسترش پس از آن در دستورکار مدیران شهری قرار گرفت که احساس کردند محدوده قدیم شهر، دیگر توانایی تغییر را ندارد؛ زیرا تقریبا تمام باغ‌ها و زمین‌های سبز داخل برج‌وباروی قدیم شهر یکی‌یکی تقسیم‌شدند وابتدابه خانه‌باغ‌وسپس به مرور زمان، به خانه‌های کوچک و کوچک‌تر تبدیل شدند، اما بازم ساکنان شهر نیازمند زمین‌های بیشتری برای ساخت منزل مسکونی و البته فضای کاری بودند. نقشه‌های مشهد دوران قاجار در حالی بازگوکننده فضای سبز بسیار در شهر است که در نخستین نقشه‌های عهد پهلوی، بیشتر این فضاها به کوچه‌ها و پلاک‌های مسکونی تبدیل شده‌اند. کوچه‌شهید احمدرضا همتیان یا آیت...بهجت ۳ که در بین مردم محلی به‌کوچه ساسان، معروف است، جزو این کوچه‌هاست که در اواخر دوران حکومت قاجارها بر ایران، با تقسیم چندین باغ بزرگ به قطعات کوچک‌تر و ساخت منازل مسکونی در آن‌ها ایجاد شده است.



موقعیت کوچه ساسان در نقشه قاجاری مشهد که هنوز باغ است

خانه باغ تاج‌رباشی شهر ، کوچه می شود

کوچه آیت...بهجت ۳ از آن دست کوچه‌های مشهد است که پس از انقلاب مشروطه تا پایان دهه نخست قرن ۱۴ خورشیدی به‌مرور کامل می‌شود. براساس نقشه سال۱۳۲۵ مشهد، این کوچه در آن زمان دو کوچه «بهاء‌التولیه، در شرق و «بیمارستان آمریکایی، در غرب را به‌هم پیوند می‌داده است. نکته شایان توجه دیگر نام کوچه ساسان است، اسناد و اطلاعات درج‌شده در نقشه سال‌های۱۳۱۰، ۱۳۲۵ و ۱۳۳۳ خورشیدی، نشان می‌دهد که نام رسمی این کوچه در ابتدا تاج‌رباشی بوده است. این نام هم گویا برگرفته از لقب مالک یکی از آخرین خانه‌باغ‌های کوچه بوده که در شرق سومین فرعی شمالی آن قرار داشته است. روایت‌ها، تاج‌رباشی را اهل کار خیر و به‌نوعی بزرگ و کدخدا ی محل توصیف می‌کنند.

کوچه ساسان این روز ها

کوچه ساسان یا همان آیت...بهجت ۳ در دو دهه اخیر به اسم «شهید احمد‌رضاهمتیان، مزین شده است و مانند سال‌های پایانی میانه سده ۱۴ خورشیدی، شش فرعی دارد که هر سه فرعی شمالی و فرعی‌های اول و آخر جنوبی، به کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف مرتبط هستند. تنها فرعی بن‌بست این کوچه، «فرعی دوم جنوبی» است که در انتهایش، یکی از معدود خانه‌باغ‌های باقی‌مانده در کوچه قرار دارد؛ خانه دودری که در دیگرش از میانه کوچه مادرشاهی یا شهید همتیان ۵ باز می‌شود. وجود این خانه و چند خانه‌باغ دیگر مانند منزل مرحوم «آیتا...گرایلی، و مرحوم «قاسمی‌راد، مشهور به «اطمینان» و همچنین خانه تاریخی ثبت‌ملی‌شده «کبرزاده، در این کوچه، شرایط خاصی را از منظر معماری برای آن رقم زده است. این منظر خاص معماری، سبب شده است طراحان آخرین طرح‌بسازی اطراف حرم مطهر رضوی(موسوم به طرح حریم رضوی) برای این کوچه، امتیاز ویژه‌ای درنظر بگیرند و تقریبا سراسر آن را «بافت ویژه شهری» با کاربری فرهنگی اعلام کنند؛ اقدامی که سبب شده است برخی سرمایه‌گذاران با خرید خانه‌های کوچه برای تبدیل آن‌ها به رستوران سنتی یا بوتیک‌هتل تلاش کنند. نخستین بوتیک‌هتل کوچه ساسان، هم‌اکنون در پلاک دوم شمالی آن، از سمت خیابان آیتا...بهجت در مرحله تکمیل است و نخستین رستوران سنتی آن نیز تقریبا از دو سال پیش در فرعی ارتباط‌دهنده این کوچه و کوچه آب‌میرزا درحال خدمات‌دهی به مشتریان است. ناگفته نماند که کوچه ساسان و فرعی‌های آن، همان‌طور که توجه سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری را به خود جلب کرده، در مرکز توجه فعالان مذهبی هم بوده است؛ آن‌چنان که علاوه‌بر میزبانی از حسینیه سرخسی‌ها و زائرسرای «زارچی‌های مقیم مشهد، و «ابرسنج‌های شاهرودی، در انتهای نخستین فرعی شمالی آن، مدرسه علمیه «امام‌رضا^(ع)، نیز مشغول فعالیت است. در پایان، بد نیست بدانید یکی از سردهای زیبای خانه‌های مسکونی ایران در کوچه ساسان واقع شده است. این سردر متعلق به خانه تاریخی اکبرزاده است که سال ۱۳۸۴ به‌عنوان بنایی باقی‌مانده از اواخر دوران قاجار در فهرست آثار ملی کشور، قرار گرفت.

سورچی نقال در مشهد قدیم



نقالی از هنرهایی است که در خراسان جایگاه ویژه‌ای داشته و طبق گفته هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی نواحی و آیینی ایران، نخستین مکتوب‌نگاری نقالی مر بوطه این دیار بوده است. دقیقی شاعر و بعدها مسعودی‌مروزی در نوشته‌های خودشان از نقالی‌دامی‌کنند. این‌هنر کهن تا حدود سال‌های ۵۰ میان قهوه‌خانه‌های شهر مشهد حضور پررنگی داشت. پیر و جوان و بزرگ و کوچک، پای کلام گرم مرشد می‌نشستند و شیرینی داستان‌های شاهنامه‌ها را باغصیر خیال پیوند می‌زدند و با رستم و حسین کرد و امیراسلان به جنگ دیوها و پری‌ها می‌رفتند. «رضا افضل» در کتاب «منظومه‌مشهدی‌های قدیمی»، داستان خودش را از نقالی‌های قدیم چنین روایت می‌کند:

کوچه گردی

کوچه گردی



پیش از کوچه ساسان چه بود؟

کوچه آیتا...بهجت ۳ در دوره قاجار به‌معنای یک کوچه مستقل، وجود خارجی ندارد. به تعریف بهتر، بخش مهم مسیری که اکنون به این نام می‌شناسیم، راه ایجادشده در مرز غربی محله نوغان و شرقی محله بالاخیابان بوده است که از میان باغ‌های کوچک و بزرگ شخصی عبور می‌کرده است. براساس نقشه‌ترسیم‌شده به‌سال ۱۲۴۸ خورشیدی(روشن‌ترین کوچه‌بندی و مرزبندی محلی را در بین نقشه‌های قاجاری مشهد دارد) هر دوسوی شمالی و جنوبی این کوچه در آن دوران، به باغ‌های کوچک و بزرگی اختصاص داشته که معروف‌ترین آن‌ها باغ متعلق به بهاء‌التولیه، از بزرگان وقت آستان قدس، بوده است. همچنین مسیر این کوچه در آن دوران، به شکل امروز



کوچه ساسان در نقشه سال ۱۳۳۳ خور شیدی با نام قدیش، تاج‌رباشی، مشخص شده است

نامی به یادگار مانده از یک خیر سفره‌دار

بزرگ‌ترین تغییر رخ‌داده در کوچه تاج‌رباشی در طول دهه ۳۰ تا ۵۰خورشیدی، حذف ارتباط مستقیم آن با کوچه بیمارستان آمریکایی است. این ماجرا پس از آن رخ می‌دهد که مسئولان وقت تصمیم می‌گیرند برای آسان شدن دسترسی مردم به راه‌آهن، مسیر موجود در کنار باغ نادری تا ایستگاه راه‌آهن مشهد را ادامه دهند. به این صورت در میانه دهه ۴۰ خورشیدی، خیابان «شاه‌رضانو(آزادی سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی و آیتا...بهجت سال‌های اخیر، متولد می‌شود. پس از آن حدود بیست‌متر انتهای کوچه تاج‌رباشی از اصل کوچه جدا و به‌صورت وجودی مستقل اما بدون نام رسمی، وارد تقسیم‌بندی‌های شهری مشهد می‌شود. خیابان شاه‌رضانو تغییر دیگری را هم در



صاف و مستقیم نبوده است و دراصل مسیری کوچه‌باغ‌مانند بوده که از کوچه بهاء‌التولیه آغاز می‌شده و انتهای آن به پانچرا می‌رسیده است.

این کوچه همچنین از طریق کوچه بهاء‌التولیه به محدوده ته‌پل محله، راسته کوچه نوغان و حرم مطهر امام‌هشتم^(ع) ختم می‌شده و از طریق کوچه پانچرا نیز به باغ نادری، کوچه سلطان محمد، محدوده باغ هشت‌آباد و باروی غربی مشهد راه داشته است. درواقع مسیری که اکنون به نام کوچه بهجت ۳ می‌شناسیم، در دوران ناصرالدین‌شاه جزو مسیرهای مشترک بین دو محله شهر بوده که بخش شرقی آن در محله نوغان و بخش غربی نیز در محله بالاخیابان قرار می‌گرفته است؛ البته ناگفته نماند که این مسیر، یک فرعی هم داشته که کوچه ساسان را به کوچه آب‌میرزا و سپس به بالاخیابان، متصل می‌کرده است.



کوچه تاج‌رباشی رقم می‌زند و آن، از بن‌بست خارج شدن تنها فرعی شمالی کوچه بوده است، به‌نحوی که اکنون این کوچه را به نام آیتا...بهجت ۵ می‌شناسند. در ادامه این تغییرات، نیز یکی از معدود خانه‌باغ‌های قاجاری باقی‌مانده تا پهلوی در آن دوران، تخریب می‌شود و زمین آن، راه ارتباطی جدیدی بین کوچه تاج‌رباشی با کوچه آب‌میرزا پدید می‌آورد که آن را از قدیم، کوچه مادرشاهی می‌نامیدند. در نیمه دوم حکومت پهلوی‌ها، تاج‌رباشی که از القاب قاجاری بود، به «ساسان» تغییر نام یافت. ماجرا از این قرار است: درحالی که دولت در نامه‌های اداری خود از این کوچه به نام شاه‌رضانو^۳ نام می‌برد، این کوچه در کلام مردم با نام فامیلی یکی از خیران و سفره‌داران محل یعنی «ساسان، شهره شده بود.

بزرگان کوچه ساسان

از تاج‌رباشی و ساسان، دو نامدار قدیمی کوچه ساسان که هرکدام در دورانی نامشان معرف کوچه است، اگر بگذریم، این کوچه در طول سالیان گذشته، میزبان چهره‌های دینی و فرهنگی و اقتصادی بوده است که مرحوم آیتا... حاج‌شیخ‌حسین گرایلی، امام‌جماعت حرم مطهر رضوی، یکی از آن‌هاست. وی پیش از انقلاب اسلامی تا پایان عمر در یکی از معدود خانه‌باغ‌های باقی‌مانده کوچه ساکن بود. نکته جالب درباره خانه مرحوم گرایلی، دوقلو بودن آن با خانه‌ای دیگر در این کوچه است که بازگوکننده استفاده از یک نقشه برای ساخت هر دو خانه است. دیگر شخصیت معروف ساکن کوچه، مرحوم قاسمی‌راد است که بیشتر مردم مشهد او را به نام کارگاه شیرینی‌پزی‌اش یعنی «حاجی‌اطمینان» می‌شناسند. وی به‌عنوان نخستین تولیدکننده کیک‌های معروف به «کیک ابری» در مشهد، صاحب خانه‌باغ بزرگی در میانه فرعی سوم شمالی کوچه ساسان بود که اکنون فرزندش در همان خانه روزگار می‌گذراند. خانه اطمینان دربین مردم محله، به برپایی روزه‌های پرشور دهه نخست محرم نیز شهرت داشت. سومین خانواده مهم کوچه ساسان، ساکن نخستین پلاک شمالی کوچه از سمت تقاطع کوچه بهاء‌التولیه بودند. چندین فرزند این خانواده که «مسگری» نام داشتند، از قاریان برجسته مشهد محسوب می‌شوند.

به نقل اوست لحن شاد و غمگین شود گل‌های چشمش شبنم‌آجین به پشت شیشه باشد محشر پرف ببارد از بیش بارانی از حرف.

*عمو عبدالحسین سورچی : نام اصلی او عبدالحسین طاهر هاشمانی بود که درشکه‌چی بود و درمیان مردم به‌عمو عبدالحسین درشکه‌چی معروف شده بود. او ساعات بیکاری خود را در قهوه‌خانه می‌گذراند. درشکه‌چی در این اوقات به نقل نقالان گوش می‌داد و آن‌ها را خوب می‌آموخت و نقل‌های آنان را به‌زیبایی در شب‌نشینی‌ها برای بچه‌ها و بزرگ‌ترها بازگو می‌کرد. لامپا، نوعی چراغ شیشه‌ای نفت‌سوز که شیشه استوانه‌ای بالای آن می‌گذاشتند.

ایران نامه

اولین شاهی که خلع شد

۲۶تیر؛ سالگرد خلع محمدعلی شاه قاجار از سلطنت



بیات! امروز ۲۶تیر برابر است با سالگرد خلع محمدعلی‌شاه قاجار از سلطنت. روز قبل از این تاریخ در سال ۱۲۸۸ او، خانواده و اطرافیان نزدیکش به سفارت روسیه در تهران پناهنده شده بودند، از این‌رو نمایندگان مجلس عالی با رأی اکثریت قاطع، او را از سلطنت مخلوع کردند. در خطوط زیر، علل این پناهندگی و حوادثی که کار شاه قاجار را به پایان رساند، مرور کرده‌ایم.

محمدعلی که در بیست‌و‌چهارسالگی والی آذربایجان می‌شود و ۱۰ سال بعد به‌عنوان ششمین پادشاه قجری ایران بر تخت سلطنت می‌نشیند، حاصل ازدواج تاج‌الملوک، دختر بزرگ‌میرزا محمدتقی‌خان فراهانی، معروف به امیرکبیر و مظفرالدین‌میرزا، سی‌وششمین پسر ناصرالدین‌شاه قاجار و پسردایی تاج‌الملوک است که اول تیر ۱۲۵۱ در تبریز متولد می‌شود. او سواد خواندن و نوشتن و روخوانی قرآن را نزد استادان مکتب‌خانه‌ای تبریز می‌آموزد و سپس در دامن معلمی روسی تبار به نام سرگئی مار کوویچ شاپشال، ملقب به ادیب‌السلطان، تعلیم می‌بیند که تأثیر عمیقی بر فکر و روح او می‌گذارد. به‌نوشته‌یرخی منابع تاریخی، این معلم روسی که مستقیم تحت‌نظر سفارت روسیه در تهران عمل می‌کند، تأثیر فراوان بر مستند شدن او می‌گذارد که اوج سلطه‌گری وی را می‌توان در صدور فرمان به توپ بستن مجلس شورای ملی مشاهده کرد.

یکی دیگر از دلایلی که شخصیت منزوی و تندخویی از محمدعلی می‌سازد، کیفیت و شرایط زندگی مادرش، تاج‌الملوک‌خانم، ملقب به ام‌خاقان است. تاج‌الملوک درست در زمانی که فرمان مشروطه را مظفرالدین‌شاه امضا می‌کند، پیش‌پسر خود محمدعلی میرزا می‌رود. با شروع دوره سلطنت محمدعلی میرزا در ۱۲دی ۱۲۸۵ است که نام تاج‌الملوک هم‌پررنگ‌تر از قبل در محافل سیاسی و روزنامه‌های عصر مشروطه می‌پیچد. اختلاف‌های فکری و برخورد‌های فیزیکی بین مادر و پدر و رفت‌وآمدهای مشکوک تاج‌الملوک به خارج از دربار، موجب پدید آمدن تهمت‌های اخلاقی ثابت‌نشده‌ای علیه او ازسوی برخی روحانیان مشروطه‌خواه می‌شود و برخی مشروطه‌چی‌ها حتی او را «حرام‌زاده» می‌خوانند.

علاوه‌بر این، او گرایش شدیدی به خرافه‌پرستی دارد و همچنین به‌جای فکر کردن و مشورت با خردورزان، برای امور مهم کشوری استخاره می‌گیرد. برخی استخاره‌های او را ۴۴سال بعد از خلع از پادشاهی، مرات‌الممالک گردآوری می‌کند که در قالب کتابچه‌ای در نشریه یادگار نیز چاپ شده است. این استخاره‌ها را میرزا ابوطالب زنجان، از روحانی‌های مخالف مشروطه، گرفته است.

اولین ورق از مجموعه استخاره‌های محمدعلی مربوط به روزه‌های بعد از به قتل رسیدن میرزااعلی‌اصغرخان اتابک، ملقب به امین‌السلطان است که در آن آمده است: «بسم... الرحمن الرحیم. پروردگارا!! اگر من عاجلتا با همین وضعی که دارم، در سلطنت و پادشاهی بمانم و صبر کنم و تحمل نمایم، عاقبت برای من خوب است و نتیجه خیر خواهد داد که استخاره خوب بیاید، والا فلا یا دلیل المتحیرین یا... محمدعلی...» و در جواب چنین نگاشته شده است: «علی کل شیء قدیر و ابتدای آیه ذلک بان ا... و هوالحق و ان یحیی الموتی و انه، در سطر دوم جواب نیز آمده است: «به نظر بنده بسیار خوب آمد». در ماجرای به توپ بستن شدن مجلس هم محمدعلی‌شاه باز استخاره گرفته است: «پروردگار! اگر من امشب توپ به در مجلس بفرستم و فردا با قوه جبریه مردم را اسکات نمایم، خوب است و صلاح است، استخاره خوب بیاید، والا فلا یا دلیل المتحیرین یا...». جواب این استخاره چنین بوده است: «قل لا تخافا اننی معکم اسمع و اری فائیه‌اقوللا لانا رسول ربک فاسئل معنایی اسرائیل: حکم خداوندی به موسی و هارون شد که بروید نزد فرعون و بگویید ما فرستاده خدا هستیم به‌سوی تو. سابق آیه هم می‌فرماید نترسید. ما با شما هستیم. این کار باید اقدام بشود. غلبه قطعی است، اگرچه در اول زحمت داشته باشد».

قدرت گرفتن تدریجی مشروطه‌خواهان و افزایش روزافزون نقش آیتا... سیدعباس بهبهانی و آیتا...سیدمحمد طباطبایی، سبب می‌شود محمدعلی از ناحیه مشروطه احساس خطر جدی کند. این ترس با چاشنی تنفر از روحانیان و استخاره‌ای که در بالا ذکرش رفت، باعث صدور دستوری در تاریخ پنجم تیر ۱۲۸۷ خطاب به قزاق‌های تحت فرمان ولادیمیر پلاتونوویچ لیاخوف، هفتمین فرمانده روسی بریگارد قزاق ایران، می‌شود. به‌دنبال این اتفاق، جمعی از آزادی‌خواهان مشروطه‌چی، دستگیر و تبعید می‌شوند و به قتل می‌رسند و دوره استبداد صفیر آغاز می‌شود. در تبریز اما نیروهای حکومتی نمی‌توانندکنترل شهر را در دست بگیرند و مجاهدان مشروطه به رهبری ستارخان و باقرخان مقاومت می‌کنند. مقاومت مسلحانه مردم تبریز امید مشروطه‌خواهان را زنده نگه می‌دارد و درحالی‌که فعالان سیاسی تبعیدی و علمای نجف، کودتای محمدعلی‌شاه را محکوم کرده‌اند، در رشت و اصفهان، جنبش‌هایی شکل می‌گیرد که سرانجام به فتح این شهرها توسط مشروطه‌خواهان می‌انجامد. ۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ چندصدنفر از نیروهای مشروطه‌خواه رشت به فرماندهی محمدولی‌خان تنکابنی و بیرم‌خان، قزوین را تصرف می‌کنند تا در گام بعدی به‌سمت تهران حرکت کنند. از جنوب نیز نیروهای بختیاری به رهبری سردار علیقلی اسعد بختیاری در ۳۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ از اصفهان به‌سمت تهران حرکت می‌کنند و در کرج به هم‌زمان گیلانی خود می‌پیوندند.

سردار مریم بختیاری، معروف به بی‌بی‌مریم و تعدادی از نیروهای بختیاری، قبل از ورود نیروهای مشروطه‌خواه، مخفیانه وارد تهران می‌شوند تا به‌محض شروع درگیری‌ها بتوانند در اطراف ساختمان مجلس شورای ملی سنگ‌ربندی‌کنند. نیروهای مشروطه‌خواه سرانجام در تاریخ ۲۲تیر ۱۲۸۸ وارد تهران می‌شوند. زد‌و‌خورد‌های مسلحانه به شهر به مدت سه روز ادامه دارد تا اینکه ۲۵تیر محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه پناه می‌برد و پایتخت به کنترل مشروطه‌خواهان درمی‌آید. در پی فتح تهران، مجلس عالی تشکیل می‌شود. این مجلس، محمدعلی‌شاه را از سلطنت خلع و فرزندش احمدمیرزا را به سلطنت انتخاب می‌کند. احمدشاه نیز حکم عض‌الملک برای نایب‌السلطنه‌ای، حکم محمدولی‌خان تنکابنی را برای ریاست دولت و وزیر جنگی، حکم سردار علیقلی اسعد بختیاری را برای وزیری داخله و حکم بیرم‌خان را برای ریاست نظمیه تهران امضا می‌کند.



۲شنبه
۲۶ تیر ۱۴۰۲
۲۸ تیر ۱۴۴۴
شماره: ۳۹۷۰

۱۵



تاریخ و هویت